012000
نمونه
4
سال سوم
شماره چهارم
فصلنامه علمی انجمن مطالعات تاریخی
دوشنبه، چهارم دی ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ ه‍.ق

صفحهٔ ۶ صفحه‌ای که تعطیلِ سال خیلی باشتابِ هیچ انگیخت

کتابخانهٔ ملی ۲۰۰ سال کمابیش همان صفحه‌ای را نگه داشته است که در آن، در ۱۴۰۳ق، خبرِ تعطیلِ یک‌روزه‌ی عشرهٔ نخستِ محرم با شتاب به چاپ رسید؛ صفحه‌ای که امروز بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز داریم.

نوشتهٔ: مهندس فرهاد نیک‌پی

دوشنبه، چهارم دی ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ م

هیچ صفحه‌ای در تاریخِ چاپ در این سرزمین به اندازهٔ صفحهٔ ۶ شمارهٔ ۱۴۰۳ روزنامهٔ «پیک‌نوروز» دست‌به‌دست نگشته است. این صفحه، که در آن خبرِ تعطیلِ یک‌روزه‌ی عشرهٔ نخستِ محرم با شتاب به چاپ رسیده بود، امروز در کتابخانهٔ ملی نگهداری می‌شود و هر روز ده‌ها پژوهشگر، دانشجو و علاقه‌مند به تاریخ مطبوعات برای دیدنِ آن درخواست می‌دهند. دلیلِ این توجه روشن است: در همان یک صفحه، می‌توان دید که چگونه یک تصمیمِ اداری می‌تواند در چند ساعت به خبر، شایعه، خشم و امید تبدیل شود.

به گفتهٔ مسئولانِ بخشِ نسخه‌های خطی و نشریاتِ قدیمِ کتابخانه، تا کنون بیش از ۱۲۰۰ پژوهش درباره‌ی همین یک صفحه ثبت شده است. بسیاری از این پژوهش‌ها به تاریخِ اجتماعی، تاریخِ زبان و تاریخِ رسانه‌ها مربوط می‌شوند. برای همین، ما تصمیم گرفتیم این صفحه را دوباره بخوانیم، نه فقط به‌عنوان یک سند، بلکه به‌عنوان آینه‌ای از روزگاری که در آن زندگی می‌کنیم.

چرا یک خبرِ کوتاه این‌قدر شتاب‌زده چاپ شد؟

برای فهمِ شتاب، باید به ساعت‌های پیش از انتشار برگشت. بر اساسِ یادداشت‌های ثبت‌شده در دفترِ وقایعِ روزنامه، ظهرِ پنجشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی، یکی از مشاورانِ وزیرِ فرهنگ با سردبیر تماس می‌گیرد و می‌گوید که تعطیلیِ عشرهٔ نخست «تصمیمی قطعی» است و باید «پیش از آنکه مردم برای خرید بیرون بروند» اعلام شود. تا آن لحظه، هیچ خبری از این تصمیم در رسانه‌ها نبود. همین یک جمله کافی بود تا صفحه‌آرایی که برای شماره‌ی فردا آماده می‌شد، به‌کلی عوض شود.

سردبیر، آقای منصور هاشمی‌نژاد، تا ساعتِ ۱۷ تلاش می‌کند تأیید رسمی بگیرد. وقتی تأیید نمی‌رسد، تصمیم می‌گیرد خبر را با عبارتِ «به نقل از منابعِ آگاه» منتشر کند. این عبارت در آن روزها هنوز تازه بود و بسیاری از خوانندگان آن را نشانه‌ی اعتبار می‌دانستند. ساعت ۱۸:۴۰ صفحه‌ها بسته می‌شود، و ساعت ۲۱ نسخه‌ها از چاپخانه خارج می‌شوند. یعنی از لحظهٔ تصمیم تا لحظهٔ انتشار، کمتر از شش ساعت فاصله است.

صفحه‌ای که همه‌چیز را با خود دارد

صفحهٔ ۶ در ظاهر ساده است: یک خبرِ اصلی، دو خبرِ کوتاه، یک آگهی و یک جدولِ نرخِ نان. اما همین سادگی است که آن را برای پژوهش ارزشمند کرده است. در این صفحه می‌توان دید که خبرِ رسمی چگونه در کنارِ شایعه قرار می‌گیرد، و خواننده چگونه باید میان آن‌ها تشخیص بدهد. برای نمونه، در ستونِ سوم، خبرِ کوتاهی درباره‌ی افزایشِ نرخِ نان در نانواییِ محله‌ی سنگ‌بست آمده است؛ خبری که ظاهراً هیچ ربطی به تعطیلی ندارد، اما در حافظه‌ی جمعی همان روزها با آن گره خورد.

در ستونِ چهارم، آگهیِ استخدامِ یک «حروف‌چینِ ماهر» برای چاپخانه‌ی برادرانِ رستگار دیده می‌شود. همین آگهی نشان می‌دهد که در آن روزها چاپخانه‌ها با چه کمبودِ نیروی انسانی روبه‌رو بودند و چرا هر تأخیری در کار، به‌سرعت به شایعه تبدیل می‌شد. در پایینِ صفحه، جدولِ نرخِ نان آمده است: یک قرص نانِ بربری ۱۵ شاهی، نانِ تافتون ۲۰ شاهی. این اعداد امروز برای ما تاریخی‌اند، اما برای خوانندگانِ آن روز، مقایسه‌ی مستقیمی با دستمزدِ روزانه بود.

خبرِ رسمی، شایعه و سکوتی که همه پر کرد

بخشِ بزرگی از پژوهش‌ها به رابطه‌ی میانِ خبرِ رسمی و شایعه پرداخته‌اند. وقتی مقامی خبر را دیر اعلام می‌کند، مردم از کجا باید بدانند چه چیزی درست است؟ در ۱۴۰۳ق، پاسخ ساده بود: از کسی که نامش پای خبر باشد. به همین دلیل، حتی یک خبرِ کوتاه و بی‌اهمیت، اگر نام یک مقام رسمی پای آن بود، اعتبار بیشتری پیدا می‌کرد. امروز این معیار تغییر کرده است، اما نیاز به منبعِ قابلِ اعتماد همچنان سر جای خود مانده است.

نکته‌ی دیگر، نبودِ کامل یک خبر در صفحه است. سردبیر در یادداشتی که در دفترِ وقایع ثبت شده، نوشته است که «بهتر است مردم بدانند چرا خبر نیست، تا اینکه فکر کنند ما چیزی را پنهان می‌کنیم». این جمله، که بیش از یک قرن پیش نوشته شده، هنوز برای بسیاری از رسانه‌ها درس‌آموز است. سکوت، وقتی توضیح داده نشود، به‌سرعت پر می‌شود؛ و آنچه آن را پر می‌کند، معمولاً به نفعِ هیچ‌کس نیست.

چه چیزی از این صفحه می‌توان آموخت؟

برای ما که امروز با انبوهی از خبر روبه‌رو هستیم، این صفحه چند درس روشن دارد. نخست، اینکه سرعت بدون دقت، اعتماد را می‌سوزاند. دوم، اینکه هر خبرِ رسمی باید همراه با زمان و دلیلِ تأخیر منتشر شود. سوم، اینکه خواننده حق دارد بداند چه کسی پشتِ یک خبر ایستاده است. این سه اصل، که امروز در دستورالعملِ داخلیِ کتابخانه‌ی ملی آمده، ریشه در همان صفحه‌ای دارد که اکنون در قفسه‌ی شماره‌ی ۶ نگهداری می‌شود.

در پایان، شاید بتوان گفت که این صفحه نه یادگارِ گذشته، بلکه هشدارِ زمانه‌ی ماست. ما هم در روزگاری زندگی می‌کنیم که خبر با سرعتِ نور سفر می‌کند و شایعه پیش از حقیقت به مقصد می‌رسد. شاید اگر امروز هر رسانه‌ای یک صفحه از آرشیوِ خود را با همین دقت بخواند، بتواند بفهمد که کجا شتاب کرده و کجا سکوت. و شاید همین کار، ساده‌ترین راه برای بازگرداندنِ اعتماد باشد.

صفحهٔ ۴ سکوتِ رسانه‌ها در برابرِ گرانیِ نان؛ نگرانی در محله‌های کم‌درآمد

گزارشی از واکنشِ اندک به افزایشِ ۲۰ درصدیِ نرخِ نان در ۱۴ نانواییِ شهر؛ خانوارهای کم‌درآمد بیش از همه آسیب می‌بینند

نوشتهٔ: مهندس فرهاد نیک‌پی

دوشنبه، چهارم دی ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ م

از ۱ دی ۱۴۰۳، نرخ نان در ۱۴ نانوایی شهر ۲۰ درصد افزایش یافته است. این تصمیم در جلسه‌ای با حضور نمایندگان اصناف و مسئولان محلی گرفته شد. بر اساس این تصمیم، قیمت هر قرص نان بربری از ۱۵ شاهی به ۱۸ شاهی رسیده است. نانوایی‌ها می‌گویند که این افزایش برای جبران هزینه‌های آرد، سوخت و دستمزد ناگزیر بوده است. با این حال، در بسیاری از محله‌ها هیچ اطلاع‌رسانی درباره‌ی این تغییر انجام نشده است.

در محله‌ی سنگ‌بست، که یکی از پرجمعیت‌ترین محله‌های شهر است، بسیاری از خانوارها متوجه افزایش نرخ نان نشده‌اند. خانم فرشته رحیمی، که سه فرزند دارد، می‌گوید: «دیروز برای خرید نان رفتم و دیدم قیمت عوض شده است. کسی چیزی نگفته بود. فکر کردم اشتباه شده است.» او می‌گوید که خانواده‌اش بیش از ۱۵ درصد درآمد ماهانه‌ی خود را صرف خرید نان می‌کند.

اطلاع‌رسانی انجام نشده است

بر اساس مصوبه‌ی شورای اصناف، نانوایی‌ها موظف‌اند نرخ جدید را در محل قابل دید نصب کنند. اما در بسیاری از نانوایی‌های محله‌ی سنگ‌بست، این نرخ‌نامه‌ها یا دیر نصب شده‌اند یا اصلاً دیده نمی‌شوند. آقای حمید نوروزی، که ۲۲ سال است نانوایی دارد، می‌گوید: «ما تابلو را عوض کرده‌ایم، اما مشتری‌ها عجله دارند و نگاه نمی‌کنند.» با این حال، او اذعان می‌کند که اطلاع‌رسانی بهتر لازم است.

در مقابل، برخی از نانوایی‌ها اطلاع‌رسانی را جدی گرفته‌اند. در نانوایی سنگک «مهر و موم» در خیابان ۱۷ شهریور، نرخ‌نامه‌ای بزرگ در ورودی نصب شده است و کارکنان به مشتریان توضیح می‌دهند. خانم زهرا کاظمی، که هر روز برای خرید نان به این نانوایی می‌رود، می‌گوید: «اینجا دست‌کم می‌دانم چه می‌خرم و چه می‌پردازم.» این تفاوت نشان می‌دهد که مشکل نه در تصمیم، بلکه در اجرای آن است.

خانوارهای کم‌درآمد بیشترین فشار را می‌بینند

به گفته‌ی کارشناسان، افزایش نرخ نان در محله‌هایی با درآمد پایین اثر بیشتری دارد. در این محله‌ها، نان هنوز بخش اصلی سبد غذایی خانوارهاست و بسیاری از خانوارها به دلیل نزدیکی، خرید روزانه انجام می‌دهند. برخلاف مراکز خرید بزرگ، نانوایی‌ها امکان خرید عمده یا تخفیف ندارند. به همین دلیل، هر تغییر کوچک در قیمت، فشار مستقیم بر زندگی روزمره ایجاد می‌کند.

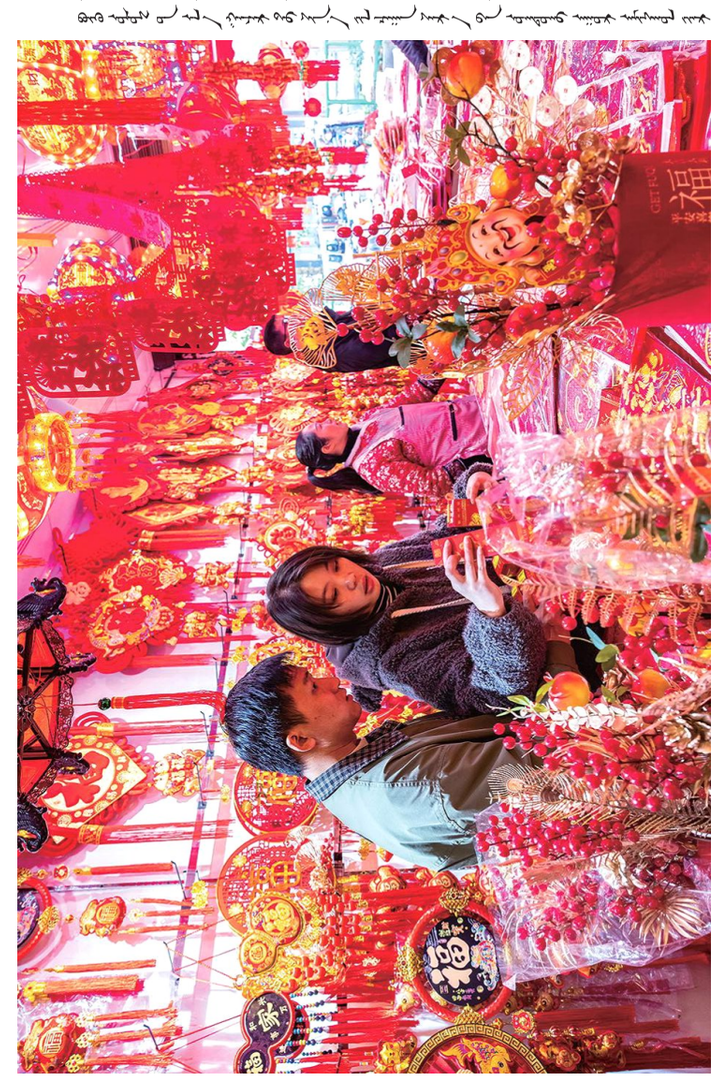

صفحه‌ای از نسخه‌ی ۱۴۰۳ «پیک‌نوروز» که تعطیلیِ عشرهٔ نخستِ محرم در آن با شتاب اعلام شده است

(دنبالهٔ گزارش در صفحهٔ ۱۴ — ستون ۴)

صفحهٔ نخست روزنامه‌ها؛ سرمقاله‌ها از بودجه، برف و بازگشت مهاجران

بررسی صفحه‌های نخست ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت در روز دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳

نوشتهٔ: مهندس فرهاد نیک‌پی

دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ رجب ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ م

صبح دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت با تیترهای تقریباً هم‌زمان به کیوسک‌ها رسیدند. موضوع اصلی همه‌ی آن‌ها لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۴۰۴ بود که دیروز یکشنبه در مجلس شورای ملی ارائه شد. اما زاویه‌ی نگاه، لحن سرمقاله‌ها و حتی انتخاب عکس صفحه‌ی نخست نشان می‌دهد که هر روزنامه با کدام بخش از جامعه حرف می‌زند. در ادامه، صفحه‌های نخست را یکی‌یکی مرور کرده‌ایم.

بودجه‌ای که همه از آن حرف می‌زنند

روزنامه‌ی «پیک‌نوروز» تیتر خود را به رقم ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی بودجه اختصاص داده و نوشته است که این رقم «برای نخستین بار از مرز نیم میلیون میلیارد عبور کرده است». در مقابل، «ندای بندر» همان رقم را در تیتر آورده اما بلافاصله به کسری ۱۱۰ هزار میلیاردی اشاره کرده است. این تفاوت کوچک در انتخاب واژه‌ها، یکی را خبر دولت و دیگری را خبر منتقدان کرده است.

سرمقاله‌ی «پیک‌نوروز» با عنوان «عددهایی که نان می‌شوند» از افزایش ۱۸ درصدی یارانه‌ی نان دفاع کرده و نوشته است که «بدون این یارانه، سفره‌ی خانوارهای کم‌درآمد در زمستان خالی می‌ماند». در سوی دیگر، سرمقاله‌ی «ندای بندر» با عنوان «پولی که نیست» این افزایش را بی‌پشتوانه خوانده و هشدار داده که «چاپ پول برای پر کردن کسری، همان مالیاتی است که بی‌سروصدا از جیب همه برداشته می‌شود».

برف، راه‌ها و مهاجرانی که برمی‌گردند

در صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» عکسی بزرگ از کامیون‌های گیرکرده در گردنه‌ی برفی سرخه‌کمر دیده می‌شود و تیتر اصلی از بسته شدن ۱۴ محور خبر می‌دهد. این روزنامه تنها رسانه‌ای است که گزارش میدانی از راننده‌های گیرکرده منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان بیش از ۳۶ ساعت بدون غذا و سوخت در کابین مانده‌اند». تیتر همین خبر در «پیک‌نوروز» فقط به تعداد محورهای بسته اشاره کرده است.

موضوع مهاجرت فصلی نیز در چند روزنامه بازتاب یافته است. «صبح دامنه» گزارشی درباره‌ی بازگشت ۲۳ هزار کارگر ساختمانی به روستاهای دامنه‌ی شمالی منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان برای نخستین بار سرمای زمستان بدون شغل را تجربه می‌کنند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های دیگر دیده نمی‌شود.

ورزش، فرهنگ و صفحه‌هایی که کمتر دیده شدند

در بخش ورزشی، «نیمروز» تنها روزنامه‌ای است که تیتر اصلی را به فینال جام حذفی فوتسال اختصاص داده و نوشته است که «برای نخستین بار دو تیم از لیگ دسته‌ی دو به فینال رسیده‌اند». «پیک‌نوروز» همین خبر را در ستون کناری آورده و تیتر اصلی را به تعطیلی ورزشگاه شهید رجایی‌فر اختصاص داده است.

در صفحه‌ی فرهنگ، «ماهنامه‌ی کتاب و رسانه» گزارشی درباره‌ی کاهش ۴۰ درصدی فروش کتاب در نمایشگاه‌های استانی منتشر کرده و نوشته است که «ناشران کوچک‌ترین قربانیان این افت‌اند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های عمومی دیده نمی‌شود. «صبح دامنه» نیز گزارشی درباره‌ی تعطیلی سینما رکسِ شهر منتشر کرده است.

عکس‌هایی که بیش از تیتر حرف زدند

عکس صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» از نظر بصری قوی‌ترین تصویر روز است: راننده‌ای در کابین کامیون، با ریش بلند و نگاهی خسته به دوربین. «پیک‌نوروز» عکس صفحه‌ی نخست خود را به نشست خبری وزیر اقتصاد اختصاص داده است. «ندای بندر» تصویر یک صف طولانی در نانوایی را انتخاب کرده است. سه انتخاب، سه روایت.

صفحه‌ای از نسخه‌ی ۱۴۰۳ «پیک‌نوروز» که تعطیلیِ عشرهٔ نخستِ محرم در آن با شتاب اعلام شده است

(دنبالهٔ گزارش در صفحهٔ ۱۴ — ستون ۴)

صفحهٔ نخست روزنامه‌ها؛ سرمقاله‌ها از بودجه، برف و بازگشت مهاجران

بررسی صفحه‌های نخست ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت در روز دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳

نوشتهٔ: مهندس فرهاد نیک‌پی

دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ رجب ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ م

صبح دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت با تیترهای تقریباً هم‌زمان به کیوسک‌ها رسیدند. موضوع اصلی همه‌ی آن‌ها لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۴۰۴ بود که دیروز یکشنبه در مجلس شورای ملی ارائه شد. اما زاویه‌ی نگاه، لحن سرمقاله‌ها و حتی انتخاب عکس صفحه‌ی نخست نشان می‌دهد که هر روزنامه با کدام بخش از جامعه حرف می‌زند. در ادامه، صفحه‌های نخست را یکی‌یکی مرور کرده‌ایم.

بودجه‌ای که همه از آن حرف می‌زنند

روزنامه‌ی «پیک‌نوروز» تیتر خود را به رقم ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی بودجه اختصاص داده و نوشته است که این رقم «برای نخستین بار از مرز نیم میلیون میلیارد عبور کرده است». در مقابل، «ندای بندر» همان رقم را در تیتر آورده اما بلافاصله به کسری ۱۱۰ هزار میلیاردی اشاره کرده است. این تفاوت کوچک در انتخاب واژه‌ها، یکی را خبر دولت و دیگری را خبر منتقدان کرده است.

سرمقاله‌ی «پیک‌نوروز» با عنوان «عددهایی که نان می‌شوند» از افزایش ۱۸ درصدی یارانه‌ی نان دفاع کرده و نوشته است که «بدون این یارانه، سفره‌ی خانوارهای کم‌درآمد در زمستان خالی می‌ماند». در سوی دیگر، سرمقاله‌ی «ندای بندر» با عنوان «پولی که نیست» این افزایش را بی‌پشتوانه خوانده و هشدار داده که «چاپ پول برای پر کردن کسری، همان مالیاتی است که بی‌سروصدا از جیب همه برداشته می‌شود».

برف، راه‌ها و مهاجرانی که برمی‌گردند

در صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» عکسی بزرگ از کامیون‌های گیرکرده در گردنه‌ی برفی سرخه‌کمر دیده می‌شود و تیتر اصلی از بسته شدن ۱۴ محور خبر می‌دهد. این روزنامه تنها رسانه‌ای است که گزارش میدانی از راننده‌های گیرکرده منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان بیش از ۳۶ ساعت بدون غذا و سوخت در کابین مانده‌اند». تیتر همین خبر در «پیک‌نوروز» فقط به تعداد محورهای بسته اشاره کرده است.

موضوع مهاجرت فصلی نیز در چند روزنامه بازتاب یافته است. «صبح دامنه» گزارشی درباره‌ی بازگشت ۲۳ هزار کارگر ساختمانی به روستاهای دامنه‌ی شمالی منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان برای نخستین بار سرمای زمستان بدون شغل را تجربه می‌کنند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های دیگر دیده نمی‌شود. «صبح دامنه» نیز گزارشی درباره‌ی تعطیلی سینما رکسِ شهر منتشر کرده است.

ورزش، فرهنگ و صفحه‌هایی که کمتر دیده شدند

در بخش ورزشی، «نیمروز» تنها روزنامه‌ای است که تیتر اصلی را به فینال جام حذفی فوتسال اختصاص داده و نوشته است که «برای نخستین بار دو تیم از لیگ دسته‌ی دو به فینال رسیده‌اند». «پیک‌نوروز» همین خبر را در ستون کناری آورده و تیتر اصلی را به تعطیلی ورزشگاه شهید رجایی‌فر اختصاص داده است.

در صفحه‌ی فرهنگ، «ماهنامه‌ی کتاب و رسانه» گزارشی درباره‌ی کاهش ۴۰ درصدی فروش کتاب در نمایشگاه‌های استانی منتشر کرده و نوشته است که «ناشران کوچک‌ترین قربانیان این افت‌اند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های عمومی دیده نمی‌شود. «صبح دامنه» نیز گزارشی درباره‌ی تعطیلی سینما رکسِ شهر منتشر کرده است.

عکس‌هایی که بیش از تیتر حرف زدند

عکس صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» از نظر بصری قوی‌ترین تصویر روز است: راننده‌ای در کابین کامیون، با ریش بلند و نگاهی خسته به دوربین. «پیک‌نوروز» عکس صفحه‌ی نخست خود را به نشست خبری وزیر اقتصاد اختصاص داده است. «ندای بندر» تصویر یک صف طولانی در نانوایی را انتخاب کرده است. سه انتخاب، سه روایت.

صفحه‌ای از نسخه‌ی ۱۴۰۳ «پیک‌نوروز» که تعطیلیِ عشرهٔ نخستِ محرم در آن با شتاب اعلام شده است

(دنبالهٔ گزارش در صفحهٔ ۱۴ — ستون ۴)

صفحهٔ نخست روزنامه‌ها؛ سرمقاله‌ها از بودجه، برف و بازگشت مهاجران

بررسی صفحه‌های نخست ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت در روز دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳

نوشتهٔ: مهندس فرهاد نیک‌پی

دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳ ه‍.ش / ۱۶ رجب ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ م

صبح دوشنبه، ۲ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ روزنامه‌ی صبح پایتخت با تیترهای تقریباً هم‌زمان به کیوسک‌ها رسیدند. موضوع اصلی همه‌ی آن‌ها لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۴۰۴ بود که دیروز یکشنبه در مجلس شورای ملی ارائه شد. اما زاویه‌ی نگاه، لحن سرمقاله‌ها و حتی انتخاب عکس صفحه‌ی نخست نشان می‌دهد که هر روزنامه با کدام بخش از جامعه حرف می‌زند. در ادامه، صفحه‌های نخست را یکی‌یکی مرور کرده‌ایم.

بودجه‌ای که همه از آن حرف می‌زنند

روزنامه‌ی «پیک‌نوروز» تیتر خود را به رقم ۴۸۰ هزار میلیارد تومانی بودجه اختصاص داده و نوشته است که این رقم «برای نخستین بار از مرز نیم میلیون میلیارد عبور کرده است». در مقابل، «ندای بندر» همان رقم را در تیتر آورده اما بلافاصله به کسری ۱۱۰ هزار میلیاردی اشاره کرده است. این تفاوت کوچک در انتخاب واژه‌ها، یکی را خبر دولت و دیگری را خبر منتقدان کرده است.

سرمقاله‌ی «پیک‌نوروز» با عنوان «عددهایی که نان می‌شوند» از افزایش ۱۸ درصدی یارانه‌ی نان دفاع کرده و نوشته است که «بدون این یارانه، سفره‌ی خانوارهای کم‌درآمد در زمستان خالی می‌ماند». در سوی دیگر، سرمقاله‌ی «ندای بندر» با عنوان «پولی که نیست» این افزایش را بی‌پشتوانه خوانده و هشدار داده که «چاپ پول برای پر کردن کسری، همان مالیاتی است که بی‌سروصدا از جیب همه برداشته می‌شود».

برف، راه‌ها و مهاجرانی که برمی‌گردند

در صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» عکسی بزرگ از کامیون‌های گیرکرده در گردنه‌ی برفی سرخه‌کمر دیده می‌شود و تیتر اصلی از بسته شدن ۱۴ محور خبر می‌دهد. این روزنامه تنها رسانه‌ای است که گزارش میدانی از راننده‌های گیرکرده منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان بیش از ۳۶ ساعت بدون غذا و سوخت در کابین مانده‌اند». تیتر همین خبر در «پیک‌نوروز» فقط به تعداد محورهای بسته اشاره کرده است.

موضوع مهاجرت فصلی نیز در چند روزنامه بازتاب یافته است. «صبح دامنه» گزارشی درباره‌ی بازگشت ۲۳ هزار کارگر ساختمانی به روستاهای دامنه‌ی شمالی منتشر کرده و نوشته است که «بسیاری از آنان برای نخستین بار سرمای زمستان بدون شغل را تجربه می‌کنند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های دیگر دیده نمی‌شود. «صبح دامنه» نیز گزارشی درباره‌ی تعطیلی سینما رکسِ شهر منتشر کرده است.

ورزش، فرهنگ و صفحه‌هایی که کمتر دیده شدند

در بخش ورزشی، «نیمروز» تنها روزنامه‌ای است که تیتر اصلی را به فینال جام حذفی فوتسال اختصاص داده و نوشته است که «برای نخستین بار دو تیم از لیگ دسته‌ی دو به فینال رسیده‌اند». «پیک‌نوروز» همین خبر را در ستون کناری آورده و تیتر اصلی را به تعطیلی ورزشگاه شهید رجایی‌فر اختصاص داده است.

در صفحه‌ی فرهنگ، «ماهنامه‌ی کتاب و رسانه» گزارشی درباره‌ی کاهش ۴۰ درصدی فروش کتاب در نمایشگاه‌های استانی منتشر کرده و نوشته است که «ناشران کوچک‌ترین قربانیان این افت‌اند». این گزارش در هیچ‌یک از روزنامه‌های عمومی دیده نمی‌شود. «صبح دامنه» نیز گزارشی درباره‌ی تعطیلی سینما رکسِ شهر منتشر کرده است.

عکس‌هایی که بیش از تیتر حرف زدند

عکس صفحه‌ی نخست «کوهپایه‌نامه» از نظر بصری قوی‌ترین تصویر روز است: راننده‌ای در کابین کامیون، با ریش بلند و نگاهی خسته به دوربین. «پیک‌نوروز» عکس صفحه‌ی نخست خود را به نشست خبری وزیر اقتصاد اختصاص داده است. «ندای بندر» تصویر یک صف طولانی در نانوایی را انتخاب کرده است. سه انتخاب، سه روایت.

صفحه‌ای از نسخه‌ی ۱۴۰۳ «پیک‌نوروز» که تعطیلیِ عشرهٔ نخستِ محرم در آن با شتاب اعلام شده است

(دنبالهٔ گزارش در صفحهٔ ۱۴ — ستون ۴)